

یک جرعه محبت، جای خالی مادر



مریم قربان زاده

✚ زجر بزرگی است دیدن چشم‌های نگران و تشنه محبت

من می‌گویم این شش ماه حتما طولانی‌تر خواهد شد و چه بسا برای همیشه باشد. دوستانی دارم که با وجود داشتن دو و سه فرزند، میزبان یک نوزاد می‌شوند و حالا این نوزاد دارای یک خانواده شده است، خانواده‌ای که مادر دارد و او را مثل فرزند خودش بزرگ می‌کند، برایش بیدار می‌ماند، برایش گریه می‌کند، او را می‌بوسد و با صدای خنده‌های این نوزاد بی‌سرپرست و معصوم، خشنودی خدا را برای خودش می‌خرد. این‌ها را گفتم که گاهی در برنامه روزانه‌مان زمانی بگذاریم برای مادری کردن برای بچه‌هایی که فرزندمان نیستند اما به مادر نیاز دارند. زجر بزرگی است دیدن چشم‌های نگران و تشنه محبت این بچه‌ها، بچه‌هایی که به همت خیران هیچ چیزی از آسایش دنیا کم ندارند اما بزرگ‌ترین کمبود زندگی‌شان یک آغوش امن است.

مادرها در هر شهر و منطقه‌ای باشند، فرزندان بی‌مادر را فراموش نمی‌کنند. مادری چشمه‌ای است که همواره می‌جوشد. ساعتی از طراوت این چشمه را به کودکان و نوزادانی هدیه کنیم که این نعمت بزرگ را ندارند. ما هم جزئی از جامعه نیکوکاران باشیم با خیرات محبت و بوسه و توجه، با خیرات یک آغوش امن و پر محبت. همه دوستان را که در طرح «خانواده امین» یک کودک معصوم را در دامن پرمهرشان پذیرا شده‌اند می‌ستایم. دست خدا به همراهان و عنایت مادر یتیمان، حضرت خدیجه (ع)، شامل حال خودتان و خانواده‌تان باد.

اولین قدم به سراغ مدیر شیرخوارگاه رفتیم. با چنان خشونت‌بی‌برخوردی که خشکمان زد. طردمان کرد. طرحمان را به تمسخر گرفت و بیرونمان کرد. «آغوش امین» در حال بزرگ شدن بود. بسیاری از مادرها با پیام‌های ما در فضای مجازی به فکر نوزادان شیرخوارگاه افتادند و اسم‌نویسی کردند و منتظر بودند هر چه سریع‌تر برای انجام یک کار خداپسندانه وارد میدان شوند. یکی از دوستان پیشنهاد داد به آسایشگاه فیاض بخش برویم و با آن‌ها صحبت کنیم. آقای دکتر کریمی هم در جلسه از طرح ما دفاع و از ما حمایت کرد. در اولین جلسه و بازدید، ما را همراهی، و گروه مادری آغوش امین کارش را شروع کرد. شیفت‌ها منظم شد. هر چند نفر چند ساعت در هفته اعلام آمادگی کردند. به صورت منظم برای مادری کردن به آسایشگاه معلولین فیاض بخش می‌رفتند و در بخش نوزادان انجام وظیفه می‌کردند.

روزهای شیرینی بود برای همه، اما اصل ماجرا فتح کردن شیرخوارگاه علی‌اصغر بود. کودکان معلول هر چند به محبت و مهر و توجه نیاز دارند، چون وارد جامعه نمی‌شوند و برای همه عمر در آسایشگاه می‌مانند و زندگی می‌کنند با مشکلات عاطفی روبه‌رو خواهند شد. این کلیت ماجراست هر چند از بین همین کودکان کم‌بهره از محبت خانواده، آدم‌های قوی و بانگیزه و مدیری بیرون می‌آیند که وجودشان برکات فراوانی دارد.

القصة که گروه «آغوش امین» با فرارسیدن کرونا از نعمت حضور بین کودکان آسایشگاه معلولین فیاض بخش محروم شد. همه مادرهای گروه از رشد شخصیت خود متعجب بودند. اینکه رسیدگی به این بچه‌ها چقدر ما را بزرگ کرد، چقدر باعث رشدمان شد، چقدر به ما برکت و آرامش داد و... شیرخوارگاه علی‌اصغر یک مدرسه است. مدیریتش عوض شده است و با خبریم مدیری دانا و حکیم این مسئولیت را بر شانه می‌کشد و حتماً با گروه «آغوش امین» همکاری خواهد کرد.

با خبریم که گروهی از مادرها تحت عنوان «خانواده امین» با ابتکار مدیریت جدید وارد میدان شده‌اند و شیرخواران و کودکان را شش ماه به خانه خود می‌برند تا از خطر کرونا در امان بمانند. این شش ماه، نوزاد به رسم امانت در اختیار خانواده‌ای امین، با ایمان و با محبت قرار می‌گیرد تا طعم شیرین پدر، مادر، خواهر و برادر داشتن را بچشد.

✚ همه چیز از پیام یک پرستار در فضای مجازی شروع شد، سه چهار سال پیش. گفته بود نوزادان شیرخوارگاه حضرت علی (ع) همه چیز دارند غیر از کسانی که آن‌ها را در آغوش بگیرند. درد دل کرده بود اما دل ما هم به درد آمد.

یک آغوش امن و مهربان اولین چیزی است که هر نوزادی به آن نیاز دارد. حس مادری قوی‌ترین احساس بشریت است. درباره دلایل رفتن این نوزادان به شیرخوارگاه و بهزیستی قضای می‌کنم. درباره اینکه یک مادر چرا و چگونه می‌تواند فرزندش را از خود جدا کند و برای همیشه او را به دست سرنوشت بسپارد و خود را از او بگیرد قضاوت نمی‌کنم.

✚ نظام‌های فکری هرگز نتوانستند مادری را حذف کنند

مادری قوی‌ترین احساس بشریت است. همه نظریه‌ها و نظام‌های فکری غرب برای حذف حس مادری شکست خورده‌اند. حتی در سوئد که به قول خودشان مردها اهمیت چندانی ندارند، باز هم نتوانسته‌اند زن را از فطرتش دور کنند. باز هم انگیزه مادری برای زن‌ها را ارج می‌نهند و با گرفتن اسپرم مردها و لقاح مصنوعی، زن‌ها را باردار می‌کنند تا حس شیرین مادری را از آغاز تا آخر تجربه کنند. مادر شدن کمال یک زن است. علم این را می‌گوید و آیات و روایات و آیین اسلام هم تأیید می‌کنند.

✚ صدای قلب مادر دل‌انگیزترین نجواست

مادرها هر چند تمایز خواه باشند و همه چیز را برای فرزندانشان بخواهند، نمی‌توانند در برابر نیازهای یک کودک دیگر بی‌تفاوت باشند. رابطه نوزاد و مادر شگفت‌انگیزترین و لطیف‌ترین رابطه هستی است. آغوش مادر برای نوزاد بهترین پناه است. صدای قلب مادر دل‌انگیزترین ترانه است و چه حیف که نوزادانی در سراسر دنیا از این نعمت محروم‌اند.

✚ آغوش امنیت

پیام آن پرستار ما را دور هم جمع کرد. گروهی شدیم به نام «آغوش امین». گفتیم برویم با شیرخوارگاه صحبت کنیم و به صورت شیفتی برای کمک به پرستارها در بخش نوزادان شیرخوارگاه حاضر شویم. وظیفه خودمان را تعریف کردیم: در آغوش گرفتن نوزادان و نوازش کردنشان. همین وبس.



بار آمدند که دغدغه‌شان کمک به دختران مکتب حاج قاسم بود، آن‌هایی که سال‌ها در این شهر برای برداشتن سنگی از جلوی پای خانواده‌ای تلاش کرده‌اند و کارهای عام‌المنفعه‌شان کمتر دیده می‌شود. یک نفر خادم حرم بود. دیگری کانونی برای خواهران شهدا داشت. یکی نویسنده بود و از دغدغه‌های روزانه‌اش می‌نوشت. یکی دیگر هم فیلم می‌ساخت. همه‌شان یک مسئله داشتند و آن کمک به نسلی بود که گاه در سراسیمه‌ی مشکلات گم می‌شود. خواسته‌هایشان را نوشتیم و قول دادیم تا شروع جلسه دیگر به آن‌ها رسیدگی و برخی‌هایشان را منتشر کنیم. اکنون، از شما هم می‌خواهیم اگر به همراه شدن با ما تمایل دارید، با شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرید.

نورا

حمیده وحیدی
روزنامه نگار

یک بال برای پروازمان باش

✚ قرار را بر این گذاشتیم تا هفته‌ای یک روز با بانوان دغدغه‌مند دور هم از ناگفته‌هایمان بگوئیم، همان حرف‌هایی که دوست داریم یکی بشنود، بنویسد. بر همین اساس، اولین جلسه را سه‌شنبه گذشته و با اولین دورهمی خانمانه تنظیم کردیم. خانم‌هایی این